



20.1001.1.26764830.1401.4.13.2.7

حکومت و تمدن در اندیشه سیاسی آیت الله شیخ فضل الله نوری

سیدحسین خادمیان نوش آبادی^۱

(۲۷-۴۳)

چکیده

حکومت از مباحث مهم و تمدن به مثابه وضع مطلوب، دارای جایگاه ویژه در اندیشه سیاسی همه دوره‌های گذشته ایران و جهان است. در نهضت مشروطه نیز، به دلایل متعدد از جمله تأثیرپذیری ایرانیان از افکار سیاسی غرب، بازار اندیشه‌ورزی چنان بالا گرفت که به حکومت و تمدن بیش از گذشته پرداخته شد. در میان اندیشمندان این دوره، آیت الله شیخ فضل الله نوری از برجسته‌ترین فقهای است در جدال اندیشه‌ها و با مقولاتی چون حکومت و تمدن به مصاف اندیشه غرب می‌رود، از این رو، مقاله حاضر به این سؤال که: دیدگاه آیت الله شیخ فضل الله نوری به حکومت و تمدن چه بوده است؟ به شیوه توصیف و تحلیل پاسخ می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شیخ در چارچوب دین، حکومت و تمدنی را مفید و مؤثر می‌دانست که در آن استعمار، خودکامگی، فساد، بیگانه‌محوری و افکار و اعمال ضد شریعت، نفی گردد.

واژه‌های کلیدی: شیخ فضل الله نوری، فقه امامیه، تمدن، حکومت، مشروطه، ایران و غرب.

۱. استاد حوزه‌های علمیه، دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشکده تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

مقدمه

انقلاب مشروطه، صحنه تقابل اندیشه اسلامی ناب با جریان‌های فکری غرب‌محور در باب حکومت و تمدن است. از سوی دیگر، در پیوند این دو، می‌توان به باور اندیشه گران تمدن و فلسفه تاریخ اشاره کرد که بر این باورند که حکومت، یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن است، بدین سبب، این دو را قسیم هم به کار نبرده‌اند و به همین شکل، در تعامل حکومت و تمدن سخن گفته‌اند، البته نباید تلاش حامیان فکری غرب در بزرگ‌نمایی ارتباط آن دو در پناه مشروطیت را نادیده گرفت، از این‌رو، تاریخ معاصر ایران شاهد استدلال‌های فقهی و دلایل متکی بر داده‌های تاریخ اسلام آیت الله شیخ فضل‌الله در مخالفت با غربی‌سازی تمدن در پرتو حکومت برآمده از مشروطه مشروطه است. وی در این راستا، به طرح و تفتیح نظریاتش براساس دانش عمیق دینی پرداخت.

نگارنده برای دستیابی به آراء شیخ در باب حکومت و تمدن، آثار وی را در بخش‌های نوشتاری، گفتاری و نظایر آن، مورد بررسی قرار داده و به منظور آسان‌سازی درک خواننده از مقاصد وی، نخست به عرضه تعریف حکومت در نگاه شیخ دست زد و سپس، به تعریف تمدن و آنگاه به مقایسه عناصر اصلی حکومت و تمدن نشست. نگارنده نیک می‌داند: پرداختن به آراء شیخ در ابعاد مختلف خاصه حکومت و تمدن از این جهت حائز اهمیت است که او پیشوای طرح نظریه کلان مشروطه مشروعه و دارای اندیشه متفاوت در همه حوزه‌ها از اقران روزگار خویش است و البته توانایی و تسلط او بر فقه، اصول، تاریخ، جغرافیا، نجوم، شعر و مانند آن در کنار تیزبینی و شرم و تجربه و نبوغ سیاسی‌اش وی را صاحب نفوذ، اعتبار و جزء برترین‌های عصر خود ساخت. باید اعتراف کرد: او از علمای طراز اول زمانه خویش و در اجتهاد و سیاست در جایگاهی برتر از سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی شناخته می‌شد و برخی نیز، گفته‌اند: او روحانی عالی‌قدری بود که گفته‌هایش برای مردم، در حکم وحی به شمار می‌رفت.

مفاهیم

حکومت و تمدن، دو واژه کلیدی در نوشتار حاضر است لذا هم عرضه تعاریف و هم ارائه تعریف مختار نگارنده از آن دو ضرورت می‌یابد:

۱. حکومت: واژه حکومت، اسم و از ثلاثی مجرد حکم است که جمع آن، حکومت است. این واژه، در اصل به معنای منع کردن و جلوگیری از خرابی و فساد است و از ریشه حکمه‌الله گرفته شده و در لغت،

به معنای امارت، پادشاهی، سلطنت، ریاست، حکمرانی، دولت، قضاوت، صدارت، فرمان‌روایی، وزارت، حکم‌فرمایی، سالاری، فرماندهی و مانند آن آمده است. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۲۵)

در زبان فارسی، حکومت به معنای قدرت سیاسی، تسلط بر امور دولتی و نیز، در مفهوم نظام سیاسی کاربرد دارد. در دوره سلجوقیان، حکومت به معنای فرمان‌داران ایالات بود و البته این واژه، تا آغاز دوره جدید به معنای داوری و حکمیت استعمال شده، چنان که در گلستان سعدی تعبیر «حکومت، پیش داور برند.» (دهخدا، ۱۳۲۵: ذیل کلمه حکومت) آمده است. برخی معتقدند: حکومت واژه‌ای است که در قرن ۱۳ قمری به زبان ترکی استعمال و به تدریج رواج یافت اما می‌دانیم که: کلمه حکومت در احادیث فراوانی از جمله در یکی از احادیث نبوی به این شرح: "عَدْلٌ سَاعَةٌ فِي حُكُومَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِينَ سَنَةً" آمده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ج ۲۱: ۲۲۳) در اصطلاح، برای حکومت تعاریف متعددی ارائه شده که به نظر نگارنده تعریف زیر را می‌توان جامع آن تعاریف دانست به آن دلیل که، خلاصه‌ای از مجموع تعاریف ارائه شده را بیان می‌کند:

مجموعه‌ای رسمی که بر رفتارهای اجتماعی افراد جامعه نظارت دارد و می‌کوشد که به رفتارهای اجتماعی آنان جهت بخشد. اگر مردم، مسالمت‌آمیز جهت‌دهی را بپذیرند، مطلوب، حاصل است، وگرنه، حکومت با توسل به قوه قهریه اهدافش را دنبال می‌کند؛ یعنی اگر کسانی از مقررات وضع شده - که برای رسیدن به هدف مورد نظر حکومت لازم است، تخلف کنند، با کمک دستگاه‌های نظامی و انتظامی مجبور به پذیرفتن مقررات می‌شوند. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۹: ۱۱) اما نگارنده تعریف مختار خود را با دقت در نامه‌ها و لوایح شیخ فضل‌الله، به این شرح برگزیده است: "سرپرستی و هدایت جامعه با عنوان نظارت فقها جهت سامان دادن در مصالح عمومی مردم تحت عنوان ولایت شرعی" (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، ت: ۶۶)

۲. تمدن: در لغت تمدن به معنای کلمه‌ای برگرفته از زبان سریانی یا عبری است که حاکی از نوعی فروتنی در برابر قانون یا به معنای اقامت گزیدن در شهر و عادت به خوی شهرنشینی است. (مصطفوی، ۱۳۶۹، ج ۱۱: ۵۵) اما برخی، تمدن را اخذ شده از کلمه لاتین Civitas می‌دانند و آن را، همسان با واژه یونانی Poleis می‌دانند. Civilisation را اسم مصدر Civiliser می‌شمارند که به مفهوم متمدن نمودن چیزی یا کسی است. (کاشفی، ۱۳۹۶: ۴۱) تمدن در اصطلاح، به معنای نوعی نظم اجتماعی متأثر از تکامل فرهنگی است که مرکب از چهار عنصر پیش‌بینی، تدبیر اقتصادی، سیاسی و قواعد اخلاقی و تلاش برای تعالی هنر است. (سعیدیان، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۸۶۳) با دقت در معنای لغوی و اصطلاحی تمدن، می‌توان گفت: تمدن به مفهوم

تحول از خشونت و جهل به رعایت آداب اجتماعی است، در واقع، تمدن نوعی خاص از رشد مادی و فکری است که مجموعه‌ای از موضوعات اجتماعی، مذهبی، اخلاقی و... را در بر می‌گیرد.

کلمه تمدن در آثار شیخ فضل‌الله نیامده است اما از سخنان و نوشته‌های او می‌توان مفهوم تمدن به سهولت استنباط و استخراج کرد. استنتاج نگارنده از مفهوم تمدن در اندیشه شیخ چنین است: "نهادینه کردن قانون برپایه داده‌های شریعت و دفع فرهنگ بیگانه به منظور روزآمد کردن حکومت یا تکامل و سعادت جامعه" و یا می‌توان تمدن را در نگاه شیخ این‌گونه دید "اندیشه‌ها را باید ساخت، نگاه‌ها را باید وسعت داد و عادات را باید شست و مؤدب به ادب دینی گردید تا تمدن، حاصل شود."

پیشینه تحقیق

آثار منتشره در وجوه مختلف زندگی و افکار شیخ فضل‌الله نوری، بسیار است. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان این آثار را در سه بخش زیر، تفکیک کرد:

الف- بخشی از آثار مربوط به شیخ، آثار خود اوست. برخی از آثار شیخ، در خصوص مسائل فقهی است از جمله: رساله منظوم فقهی الدر التنظیم، رساله فی قاعده ضمان الید و رساله فی المشتق (تقریرات درس میرزای شیرازی) و برخی درباره ادعیه است مانند: صحیفه قائمیه یا صحیفه مهدویه و کتاب بیاض و برخی دیگر به مسائل سیاسی می‌پردازد چون: روزنامه یا لوائح شیخ و حرمت مشروطه که در آن، علت موافقت اولیه و مخالفت ثانویه خود را با مشروطیت را بیان می‌کند و در تاریخ ۱۳۲۶ قمری در تهران انتشار یافت. از برخی از این آثار به ویژه آثار بخش اخیر در این مقاله، می‌توان سود برد.

ب- بخشی از آثار منتشره از دیگران است که در تأیید نظرات و مواضع شیخ نگارش یافته‌اند: کتاب "دیده‌بان بیدار" اثر علی ابوالحسنی از جمله آثار مؤید دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی شیخ چون عدالت، حاکمیت، آزادی، مساوات و... است. کتاب "اندیشه سبز زندگی سرخ" به موضوع زمان و زندگی شیخ می‌پردازد و حالات معنوی، علمی و همچنین واکنش‌های سیاسی و اجتماعی شیخ را تبیین می‌کند. همین مؤلف در کتاب "خانه بر دامنه آتش‌فشان" به نبوغ سیاسی و چگونگی شهادت شیخ و وصیت‌نامه‌های وی می‌پردازد. کتاب "کارنامه شیخ فضل‌الله نوری" به شبهات و پرسش‌های مربوط به مواضع فرهنگی و سیاسی شیخ پاسخ می‌دهد. کتاب "در مشروطه چه گذشت؟" که در پنج جلد به وقایع، چرایی و اتفاقات قبل، حین و بعد از ماجرای مشروطه اشاره دارد، مواضع فقهی و سیاسی و خدمات

شیخ را مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌طور مفصل، در خصوص وقوع و چرایی انحراف مشروطیت سخن گفته است.

ج- قسم سوم آثاری است که در نقد یا رد شخصیت، مواضع، افکار و نظرات شیخ فضل‌الله تدوین شده است، مانند: احمد کسروی در کتاب "تاریخ مشروطه ایران" در رد و تخریب مواضع سیاسی شیخ فضل‌الله می‌کوشد. (کسروی، ۱۳۸۸: ۶۷) آثار دیگری که توسط افراد شاخص جریان منورالفکری نوشته شده‌اند، دقیقاً در مسیر کسروی گام برداشته‌اند، آثاری مانند تاریخ انقلاب مشروطیت ایران نوشته مهدی ملک زاده، تشیع و مشروطیت در ایران نوشته عبدالهادی حائری، تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ناظم الاسلام کرمانی، زمینه انقلاب مشروطیت ایران نوشته سیدحسن تقی‌زاده، حیات یحیی اثر میرزایحیی دولت‌آبادی، انقلاب مشروطیت ایران نوشته ادوارد براون، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجار اثر پیتر آوری، فرهنگ رجال قاجار نوشته جرج چرچیل، انقلاب مشروطه ایران نوشته ژانت آفاری، انقلاب مشروطه ایران نوشته ایوانف، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی نوشته پروانه آبراهامیان و... که با تأسی از فرهنگ غرب به نگارش درآمده‌اند، به صورت یک سویه درصدد تخریب شیخ فضل‌الله نوری برخاسته‌اند. آنچه این مقاله را متفاوت با این همه آثار مذکور می‌نماید، پرداختن صرف، به موضوع حکومت و تمدن در اندیشه سیاسی شیخ فضل‌الله نوری است و بررسی نگارنده نشان می‌دهد در این باره به صورت مستقل و مصداقی، اثری منتشر نشده است.

حکومت در دیدگاه شیخ فضل‌الله

شیخ فضل‌الله نوری براساس قرآن، سیره معصومین (ع)، عقل و اجماع به مثابه منابع اصیل شیعه امامیه، استقرار حکومت را ضروری می‌دانست، زیرا: تنها با تأسیس و تداوم حکومت است که می‌توان به اجرای عدالت، زدودن فساد، دفع استعمار و رفع استبداد پرداخت، او کمک به تحقق چنین اقداماتی را وظیفه عالمان آگاه برمی‌شمارد. در نگاه وی، اندیشمندان مطلع قادر به تشخیص حق و باطل، صلاح و فساد، حرام و حلال و تمایز آن‌ها هستند که آن، آنان را در دفع انحراف حکومت از دین و شکل دادن به یک حکومت ربانی یاری می‌دهد.

از وجوه انحراف حکومت از دین، بیگانه پرستی اوست از این رو شیخ به صراحت به نفی بیگانه‌گرایی می‌پردازد و می‌گوید: "کراراً گفتم: ما طبقه مسلمانان که دارای قانون و کتاب آسمانی هستیم، چرا از روی قرآن رفتار نکنیم و از روی قانون آلمانی و انگلیس وضع قانون کنیم." (ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۵۲) به

عقیده وی، حکومتی را که "از دیگ پلوی سفارت انگلیس بیرون بیاید و امثال پیرم [ارمنی] برای آن سینه بزنند" (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، الف: ۴۳) مفید به حال جامعه اسلامی نیست. او به تأسی از منابع اصیل اسلامی "دین اسلام را اکمل ادیان و اتم شرایع معرفی می‌کرد که به عدل و شورا فرمان داده است پس چرا مسلمانان دستور عدل را از پاریس و نسخه شورا را لندن دریافت می‌کنند؟" (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، ت: ۶۶)

شیخ مخالفتی با مشروطیت و قانونیت حکومت نداشت اما آن دو را در پرتو اسلامیت و شریعت معنا می‌کرد. اگر نیم‌نگاهی به صحبت‌های شیخ داشته باشیم به چنین واقعیتی دست می‌یابیم که شیخ بر تهیه و تدوین نظامنامه تأکید می‌ورزید و البته بر اسلامی بودن آن، اصرار داشت به این دلیل که تنها شریعت اسلامی است که موجب اصلاح مفساد اجتماعی می‌گردد. (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، ت: ۶۹) در همین چارچوب فکری است که شیخ بر آن بود که: «قانون الهی ما مخصوص عبادات نیست بلکه حکم جمیع مواد سیاسی را بر وجه اکمل و اوفی داراست.» (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، ب: ۵۵)

اشارات، تصریحات و تأکیدات شیخ بر قانون اساسی، قانون الهی، شریعت اسلامی، عدالت اجتماعی، اصلاح عمومی و ... به مثابه اصول کلی اندیشه سیاسی وی موجد تمدن در پرتو همکاری و همراهی دولت و حکومت است. ناگفته مبرهن است که: سخن از امر یا امرهای سیاسی از یک سو، همگامی حکومت و تمدن را در اندیشه سیاسی او اثبات می‌کند و از سوی دیگر، نگاه عمیق اش را در نحوه تحقق سامان سیاسی-اجتماعی هویدا می‌سازد. به علاوه، شیخ ضرورت داشتن نماینده در کشورهای دیگر و نامه‌نگاری با آنان و تبادل اندیشه و دریافت گزارشات از پیشرفت‌های کشورهای خارجی را گوش می‌کرد که این امر به تنهایی نشان از اعتقاد شیخ به ایفای نقش دو سویه حکومت و تمدن داشت.

شیخ با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نوشته است: به برکت تلاش عالمان عامل با وجود گذشت زمان از عصر نبوی و غیبت امام عصر اعتقادات مردم بر مدار قرآن و سنت حفظ و استوار مانده، به گونه‌ای که گویا هیچ اختلافی با عصر معصوم (ع) نیست و این مهم با همه دشمنی‌های کینه توزان به امت اسلامی است و البته حفظ این دستاورد در پناه حمایت حکومت از روندی است که به بهبود وضع اجتماعی می‌انجامد، (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، ت: ۴۲) در واقع، شیخ حرکت به سمت تمدن را معطوف به همراهی حکومت با همت و بصیرت عالمان عامل، محوریت معرفت معارف قرآن و سیره معصوم (ع)، تقویت و تعالی اندیشه اسلامی و مبارزه با فساد و دفع بیگانه دانسته است.

از آنچه گفته‌ایم در می‌یابیم که: شیخ به اصل حکومت که اساسی‌ترین نقش را در تحقق تمدن دارد، باور داشت و با آن، هیچ‌گاه مخالفتی نکرد. نمی‌توان پذیرفت اصل بدیهی ضرورت حکومت را که حتی

خردسالان تأیید می‌کنند را عالمی چون شیخ فضل الله نوری در نیافته باشد! به نظر می‌رسد مخالفت او با فساد و تسلط بیگانگان بر فرهنگ، سیاست و ... به مثابه مخالفت وی با حکومت تلقی شده است. چنین برداشتی نه از سر نفهمی بلکه از سر غرض ورزی مشروطه خواهان است که شیخ را به غلط مانع تحقق مشروطه واقعی نه مشروطه انگلیسی می‌دانستند. شاید هم بخشی از مشروطه طلبان خود نیز، از اثرات سخن خویش که آب به آسیاب دشمن می‌ریخت، غافل بوده‌اند! به هر روی، صدای پر طنین شیخ در دفاع از یک حکومت متشرعه به گوش همه رسیده بود.

تمدن در دیدگاه شیخ فضل الله نوری

بی‌شک انطباق تمدن دینی با فطرت انسانی، روزآمدی و هدفمندی آن، در شکل‌گیری و پایداری تمدن، ضروری است. منظور از فطری بودن، عدم مغایرت آن با کرامت انسانی است. روزآمدی به معنای مخالف نبودن آن با دانش و اختراعات بشری است و بالاخره هدفمندی، ارتقا جامعه به نقطه اعلی فضایل اخلاقی را به ذهن متبادر می‌کند. می‌دانیم: در تولد و تداوم تمدن، عوامل و مؤلفه‌هایی چون عقل، جغرافیا و دین مؤثرند. اگرچه هر یک از عوامل فوق، نقش مؤثری در وقوع تمدن دارند اما از نگاه فقهای امامیه، دین عامل اصلی در زایش تمدن‌ها است.

در اندیشه شیخ فضل الله نیز، عامل اصلی تحقق تمدن، دین است و او هر آنچه را که موافق با کرامت انسانی و موجب نیل به فضایل اخلاقی است را از عناصر تشکیل دهنده تمدن اصیل دانسته است. در نگاه او، عوامل غیردینی تمدن، غیرمانا است، بلکه فقط دین است که می‌تواند همه نیازهای حیات آدمی را تدبیر و چاره نمایند و بدان پاسخ دهد و آن راز مانایی و نامایی تمدن‌های بشری برشمرده است. به راستی چرا دنیای غرب به تمدن یونانی برآمده از افکار اندیشمندانی چون سقراط، افلاطون و ارسطو پشت نمود و در مقابل، موحدان عالم به روز آمدی گزاره‌های تمدن دینی، باور پذیرتر شده‌اند؟ موضوعی که ساموئل هانتینگتون^۲ (مرگ: ۲۰۰۸/۱۳۸۷) آن را در چارچوب جنگ تمدن غربی با تمدن اسلامی و غلبه تمدن اسلامی بر آن، پیش بینی کرد. (طاهرزاده، ۱۳۹۱: ۴۴) جالب است که: شیخ فضل الله نوری سال‌ها قبل از او در این باره اظهار نظر کرد: شیخ تمدن دینی شکل یافته از داده‌های مکتب امامیه را تنها تمدن پاسخ‌گوی جامع فطرت، احساس و عقلانیت انسانی برشمرد و آن را به جهت اتصال مستمر به وحی، تنها راه نجات و رشد انسان معرفی می‌کند به آن دلیل که: این تمدن برپایه روزآمدی زندگی مادی

به همراه تقویت باورهای معنوی را در چارچوب تدابیر وحیانی و نه برپایه سلیقه خلیفه و سلطان، ساختار بندی شده است.

در همین راستا، شیخ با تبیین و تشریح حقیقت شریعت و هشدار دادن به خطر فساد و نفوذ بیگانه در بین مسلمان خاصه ایرانیان و با تدریس فقه و حدیث و تألیف کتب علمی مانند علم نجوم و آموزش زبان ملل، در جهت تحقق یک جامعه تمدنی تلاش کرد. دو نمونه ذیل گویای اندیشه تمدنی شیخ در عصر پراکندگی مشروطیت است:

نمونه اول: شیخ آشنایی خود و دیگران را به زبان ملل تأیید و تشویق می‌کرد و بین آن و اسلام و شریعت مغایرتی نمی‌دید. یکی از مشروطه پژوهان معاصر سندی را ارائه می‌دهد که او به زبان فرانسوی تسلط داشته است. (انصاری قمی، ۱۳۹۳: ۷۶) او همچنین، دست زدن به نهضت ترجمه را ترویج می‌کرد، نهضتی که با فرمان رسول اکرم (ص) آغاز شد. نقل است نامه‌ای سریانی به حضرت رسید. ایشان به زید بن ثابت فرمود: "زبان سریانی را بیاموز و متن را ترجمه کن" (خادمیان نوش آبادی، ۱۳۹۳: ۶۲) بعدها، مسلمانان با کمک آن، تمدن اسلامی را بنا نهادند. همین سنت، در اواخر قرون وسطی از سوی غربی‌ها به کار گرفته شد. این امر نشان از نقش و اهمیت بلند ترجمه در رشد علمی و تمدن آفرینی دارد.

نمونه دیگری که مؤید نگاه شیخ به ضرورت تمدن است، مساله جایگاه زنان است. برخی مخالفان سعی کرده‌اند با اشاره به چند نمونه از تفاوت‌های احکام فقهی، القاء کنند، در نگرش فقه‌های امامیه چون شیخ فضل‌الله، زن موجود درجه دومی است در حالی که با مراجعه به متون فقهی، پوچ بودن این ادعا معلوم می‌گردد، مثلاً در باب ارتداد، زن حتی اگر مرتد فطری باشد، برعکس مرد مرتد، اعدام ندارد، یا زن در نماز به هر مقدار از جملات اذان را بگوید، کافی است تا خللی در وظایف خانه‌داری و شیردهی او رخ ندهد و البته او بابت این امور می‌تواند از شوی خود دستمزد بگیرد. با این وصف، در زمانه مشروطه تا توانستند شیخ را مخالف تأسیس مدارس و مخالف تحصیل دختران نشان دادند اما همگان می‌دانیم که: با وجود آیات متعدد قرآن و احادیث فراوان در وجوب تحصیل دانش هیچ فقیهی نمی‌تواند مخالف سوادآموزی باشد! هیچ سندی در مخالفت شیخ با آموختن دانش زنان وجود ندارد، بلکه همسر شیخ، دارای دانش فراوان بود. او در اعتراض به داراویختن شیخ، بارها نوشت تا سرانجام، پیرم ارمنی را مجبور به تسلیم و تحویل پیکر شوهرش کرد. (انصاری قمی، ۱۴۰۰: ۳۲۷)

چرا چنین شایعاتی را برای شیخ فضل‌الله نوری ساختند؟ پاسخ به این سؤال را می‌توان از پاسخ او در روز محاکمه‌اش دریافت: او خطاب به ابراهیم زنجانی رئیس محکمه می‌گوید: "شما که می‌دانید چه

کسی باعث شد مردم در گوشه و کنار دختران خود را بفروشند؟! چرا نسبت به آنان کاری نکردید؟" (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۶۰) این گزارش شیخ حاوی نکته مهمی است که عمداً در زمانه مشروطیت فراموش و مغفول ماند اما سخن، روشن می‌نماید چرا قلم به مزدها دنبال جعل مخالفت شیخ با تحصیل دختران بودند.

بررسی رابطه حکومت و تمدن در نگاه شیخ

شیخ رابطه حکومت و تمدن را مساوی و همسان می‌دید. گزارشات تاریخی نشان می‌دهد که شیخ برای تحقق حکومت و تمدن، با همتی بلند با تکیه بر بصیرت، برای دستیابی به عدالت و پیشرفت به مثابه عالی‌ترین مفاهیم تمدن، بسیار کوشید. این مهم، در کوشش وی در موضوع فتوای میرزای شیرازی در تحریم تنباکو (موسسه فرهنگی و هنری قدر و ولایت، ۱۳۹۳، ج ۱: ۹۸) ثابت می‌گردد تا جایی که برخی اثبات نموده‌اند: او اولین کسی بود که بر ضد قرارداد تنباکو علماً را مطلع و متفق نمود. (ابوالحسنی، ۱۳۹۸ ب: ۸۷) به اضافه تحصن، سخنرانی‌ها و در پایان شهادتش، گویای این حقیقت است. او در این ماجرا همزمان علیه دولت ناصری و له پیشرفت بومی ایران برخاست.

شیخ در صدد نیل به حکومت و تمدنی است که در آن معارف و معالم امامیه از جمله دفع فساد، نهادینه گردد، از این رو است که از همگان خواسته که نظامنامه اسلامی که همان قانون شریعت را که از ۱۳۳۰ سال و اندی در میان ماست به مثابه معیار حکومت و تمدن اجرا شود. (ابوالحسنی، ۱۳۹۸ ت: ۶۹) شیخ با مبارزه علمی و با مجاهده فرهنگی در مصاف با فرقه‌های منحرف و معاند که عامل حکومت و تمدن انحرافی‌اند، عبور کند و در سایه سار قرآن، حدیث و سیره، حکومت و تمدن اسلامی را پی ریزی کند و تداوم ببخشد. یکی از تلاش‌های هوشمندانه وی در این زمینه، تألیف کتاب "الصحيفة القائمة" به نشر شاخصه‌های معنوی امامیه و مختصات حکومت و آداب تمدنی آن پرداخت. (مدرس تبریزی، ۱۳۹۴، ج ۵: ۴۱۹)

او در راستای استقرار بخشی به قرآن و سیره که مشتمل بر اداره جامعه در بعد سیاسی و تمدنی است به مقابله با فرقه‌های انحرافی و در رأس آن بابیه و دهریه (کمونیست) که در مشروطه خواهان نفوذ کرده بودند، دست زد.

در این عصر فرقه‌ها پیدا شده‌اند که بالمره منکر ادیان هستند. این فرق مستحده را بر حسب تفاوت اعراض اسم‌های مختلف است: آنارشیست، نهلیست، سوسیالیست، ناطورالیست، بابی است و اینها

یک نحو چالاک‌ی و تردستی در اثاره (برانگیختن) فتنه و فساد دارند، سال‌هاست دو دسته در ایران پیدا شده و مثل شیطان راهزنی دارند یکی فرقه بابیه و دیگری طبیعیه [کمونست] (ابوالحسنی، ۱۳۹۸، پ: ۶۰)

ارشاد عقول، تعالی فهم و دقت مردم، سرلوحه تلاش‌ها و اقدامات شیخ است زیرا برای تقویت و تعالی فکر و اندیشه مردم حکومت بهتری را می‌آفریند و تمدنی مطلوبی را می‌سازد، از این رو سخنانی چنین بسیار دارد: "کسی نیست از این مردم بپرسد که انگلیسی‌ها برای چه این همه پول خرج می‌کنند که در کشورها به اصطلاح مجلس عدالت برقرار شود؟" (انصاری، ۱۴۰۰: ۷۹) و او در در یکی لویحی که در دوران تحسن در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) منتشر ساخت گفته است: در منطق شیعه، دولت و سلطنتی که زمام آن به دست خدا، رسول خدا (ص)، امام زمان (عج) و نایب امام (فقه‌های عادل) نباشد، اوامرش واجب‌الاطاعه نیست. (انصاری، ۱۴۰۰: ۲۲۳)

او به تاسی از آموزه‌های شیعه امامیه بر آن بود که قوانین جاریه مملکت اسلامی باید با فتاوی‌ای مجتهدین عادل هر دوره که مرجع تقلید هستند، تنظیم شود و منصب دولت و اجرای آن از عدلیه و نظمی و سایر حکام فقط با اجرای احکام صادره از مجتهدان عادل همراه باشد. (انصاری، ۱۴۰۰: ۲۳۷) شیخ در مقابل تحسن برخی از مشروطه خواهان در سفارت انگلیس، به تحسن در یک مکان مذهبی - معنوی اقدام می‌کند تا افکار عمومی را آگاه کند راه حکومت اسلامی و تمدن دینی از دیگ پلوی سفارت انگلیس بیرون نمی‌آید! عنصر دیگر در نگاه به ساخت حکومت و تمدن مطلوب، دفع افکار و نفوذ بیگانگان و غرب زدگان است. به آسانی از بررسی آثار مکتوب مشروطه استفاده می‌شود که تجار و طبقه اعیان و مرفه مانند مستشارالدوله تبریزی و عبدالرحیم طالبوف و تحصیل کردگان غربی مانند میرزا ملکم خان ارمنی و میرزا آقا خان کرمانی و ... از گردانندگان واقعه مشروطیت غرب گرا بوده و روزنه‌های نفوذ بیگانگان به ایران بودند. (انصاری، ۱۴۰۰: ۷۱)

شیخ مانند همه عالمان دینی، غرب زدگی و وابستگی به غرب را، راه نفوذ و تسلط حکومت و تمدن غربی بر جوامع اسلامی می‌دانست، لذا در صدد دفع این نفوذ بر آمد. بدون تردید اگر تمدن جامعه‌ای وابسته به فرهنگ بیگانه و وام‌دار آن شد، به ناچار سایر اضلاع و ابعاد آن جامعه مانند آموزش، اقتصاد، سیاست، عدالت، مقاومت و ... در نتیجه حکومت آن نیز، شکل و ساختاری غربی پیدا می‌نماید و به مرور افراد جامعه گرایشی غیراصیل و بیگانه خواه پیدا نموده و فرهنگ غیرخودی، جایگزین فرهنگ شایسته سالاری می‌شود و در آن جامعه، خشونت، تضییع حقوق، اعدام، ترور و زندانیان فکری و رواج و

گسترش می‌یابد. شیخ با طرح سئوالات فقهی و اخذ استفتاء آن از میرزای شیرازی، مانند خطر ورود کالاهای خارجی به جوامع اسلامی و ایران و ضرورت مبارزه با آن، به بستن راه‌های نفوذ و تسلط فرهنگ و تمدن بیگانه اقدام نمود (ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ب: ۸۳)

استفاده از ابزار استفتاء در راستای تلفیق حکومت با تمدن است. شیخ با این استفتاء، نگاه خود به مشروعیت حکم حاکم اسلامی را تثبیت و با محتوای معطوف به مفهوم تمدن، ارتباط آن را تبیین نمود. یکی از سئوالات این استفتاء در خصوص تشبّه به غیر مذهب (کفار) و کشیدن سیگار و افیون و حمل کالای بیگانگان و ... است که میرزای شیرازی با استناد به حدیثی آن را منع می‌نماید. (ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ت: ۴۸) چرچیل مدیر اداره شرقی سفارت انگلیس که به زبان فارسی نیز، تسلط داشت در گزارش خود به لندن می‌نویسد: "شیخ فضل الله از مجتهدین طراز اول تهران، از تماس با اروپاییان احتراز می‌کند و حاضر به گفتگو با آنان نیست." (ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ت: ۴۳) دفع بیگانگان را شیخ با شعار و "علیکم بالمشروطة الاسلامی" تکمیل می‌نماید. (ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ت: ۵۲)

واضح است مبارزات علنی شیخ برای دفع نفوذ و سلطه بیگانه و فرق منحرف و ضاله و حاکمیت معارف اسلامی و تمدن دینی، سبب دشمنی خاص دول بیگانه و منحرفین داخلی گردید. برای همین در زمان محاکمه تشریفاتی و پوشالی او توسط ابراهیم زنجانی که خود مزدور مشروطه گران و از غرب‌زدگان زمان و عضو انجمن فراماسونری و در نزد مردم ابداً به دیانت اشتها نداشت (انصاری قمی، ۱۳۹۳: ۳۶۳) مرحوم شیخ فضل الله نوری، با ساده‌ترین استدلال‌ات، او را و هیأت محاکمه‌گر نمایشی را، بی‌آبرو رسوا می‌نماید و خطاب به دادگاه می‌گوید:

با محمدعلی میرزا چه کردید؟ او شاه بود و رأس استبداد و در ظاهر هم که مشروطه مخالف استبداد است، چطور او در امان است و سالیانه صد هزار تومان حقوق می‌گیرد و تمام غارت‌ها و قتل‌های او را نادیده گرفتید؟ با عین الدولة چه کردید؟ به خاطر معاونت در کشتار و ظلم بی حد به مردم؟ با لیاخوف چه کردید؟ دیگر مجلس را که من به توپ نبستم! مردم تهران را که من نکشتم؟ با لیاخوف چه کردید؟ زنجانی گفت: او به وظیفه سربازی خود عمل کرد! شیخ پاسخ داد: پس تنها به وظیفه اسلامی عمل کردن جرم است؟ (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۶۰)

بدیهی است اقدامات و حرکات مرحوم شیخ فضل الله نوری در دو ماجرای جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه، ترجمان اندیشه سیاسی ایشان و چرایی و چگونگی دشمنی؛ مخالفان با شیخ است و این مهم با تأمل در سخن ایشان در دادگاه فرمایشی، بیشتر نمایان می‌شود؛ آن جا که با اقتدار؛ حالت پوشالی پیرم

ارمنی را می‌شکند و می‌گوید: "من مشروطه را حرام کردم و تا ابد هم حرام خواهد بود، زیرا: مؤسسين اين مشروطه همه لامذهبين هستند و مردم را فريب داده‌اند." (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۵۷) اشاره صریح به لامذهبین، کلیدواژه حل معما و ترجمان اندیشه سیاسی مرحوم شیخ فضل الله نوری است. با نگرشی بر سیره فقهی مرحوم شیخ فضل الله، تقید وی به عقاید و معیارهای فقهی امامیه و تلاش برای اجرای اصول و فروع مکتب معلوم و اندیشه سیاسی ایشان بر معیار اصول و فروع شرع آن‌هم بر محور استنباط و استظهار از منابع مورد قبول همه فقهای امامیه و متحد با آنان، روشن و آشکار می‌گردد و همین امر، سبب مخالفت و عداوت بیشتر حاکمان و ابلسیان زمان با وی گردید، کما این که در مورد سایر فقها نیز، این موضوع مشهود می‌باشد.

در جریان کربلا، جبهه‌ای که ادعای مسلمانی و اسلام داشت موقع نماز ظهر به امام حسین (ع) امان نداد و حتی امام، نماز عصر خود را در حین جنگ و روی اسب اقامه کرد و در جریان مشروطه نیز جبهه‌ای که مدعی آزادی و عدالت و حقوق مردم و ... بود، اجازه اقامه نماز عصر به شیخ فضل الله نوری نداد و جالب است ابراهیم زنجانی در جواب درخواست شیخ فضل الله برای امان دادن به جهت اقامه نماز عصر چنین گفت: "این مردم کارهای مهم‌تر از نماز تو دارند، بیهوده نباید آن‌ها را معطل گذاشت...! شیخ فضل الله خطاب به دادگاه فرمود خودم را با امام قیاس نمی‌کنم، اما شما را با بنی عباس مقایسه می‌کنم." (انصاری، ۱۴۰۰: ۶۱) او در آخرین لحظات زندگی، وقتی حالات مردم را می‌نگرد می‌گوید: "هذا كوفة صغيرة، تهران یک کوفه کوچک است." (ابوالحسنی، ۱۳۹۸ پ: ۱۸۳)

با تأمل در مطالب فوق، معلوم می‌شود یک اندیشمند موحد موظف است از تمام ابزار صالحه برای تکامل و تعالی فرد و جامعه، حول یک فکر و برنامه توحیدی استفاده نماید. در مکتب اسلام حکومت و ... ابزاری شایسته برای متمدن نمودن انسان آن‌هم به معنای حقیقی است و اگر کسی برخلاف آن، عمل نماید، وی قطعاً در شمار اندیشمندان اسلامی به حساب نخواهد آمد. با نگرش به تلاش اندیشمندان امامیه در طول تاریخ، ماهیت اندیشه حکومتی تمدنی آنان را می‌توان در این روایت مشهور نبوی (ص) که در خطبه امام حسین (ع) نقل شده تحلیل نمود:

أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ فِيعَلْ وَ لَا قَوْلَ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ؛ اى مردم! پیامبر خدا فرمودند: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به

ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت برنخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاندازد. (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۴۴: ۳۸۲)

آن چه بسیار شفاف و با اهمیت می‌نماید این نکته است که حضرت می‌فرماید: من رأی... یعنی: هرکس ... و مسأله را منحصر به معصوم (ع) نفرموده و در ادامه، وقتی شاخصه‌های سلطان جائر را مطرح می‌فرماید؛ به قطع و یقین شناخت و اقدام بر اساس این نشانه‌ها، در تقابل با سلطان جائر، معطوف به فقیهان متضلع و مسلط می‌شود و اگر فقیهی برخلاف این شاخصه رفتار نماید؛ مطرود فقیهان و مؤمنان است.

نکته مهم در این خطبه، در کنار هشدار استحلال حرام و نقض عهود الهی و مخالفت سنت نبوی و ظلم و ستم؛ عدم انفعال اهل اندیشه و معرفت در مشاهده مسأله ظهور فساد علنی و تعطیلی حدود الهی است. قطعاً منظور از "من رأی سلطانا" کسانی است که فهم درست از حلال و حرام واقعی و ... دارند و این معرفت فقط مخصوص فقیه جامع‌الشرایط و متضلع (ذوالفنون) است. در واقع این خطبه تفسیری رسا و بلیغ از آیه کریمه: "وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا" بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ زیرا باطل همواره نابودشدنی است. (اسرا: ۸۱) تمام تلاش عالم حق‌شناس برای تعلیم و تثبیت و گسترش حق و تنزیه جامعه از باطل، باید باشد. در واقع، تمدن یعنی ظهور و بروز حق و زدودن و محو باطل

هماهنگی اندیشه شیخ با ارکان اندیشه سیاسی فقها

دفع و نفی هر نوع فساد و استبداد و تنزیه جامعه از انحراف و انحراف، ساختن دنیا و ایمان و باور به زندگی پس از مرگ، ساختار و منتهای اندیشه فقهای امامیه است که در ارکان ذیل می‌توان تبیین نمود:

۱. تلاش برای تعلیم مبانی صحیح فکری در امور مادی و معنوی؛
۲. نفی و رهایی از حکومت و تمدن بیگانه و مخالف با باورهای فکری و عقیدتی و سلب و نفی قوانین مخالف با شرع و اقدام مناسب در جهت استقرار حکومت دینی و اجرای قوانین شرعی؛
۳. مقابله و مبارزه جدی با فساد و انحراف در ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... در واقع این سه محور شاخصه اندیشه سیاسی فقهای شیعی در طول تاریخ در مقوله نگاه به حکومت و تمدن است و با نگاهی کوتاه و جامع به تاریخ، رویدادهای متعدد می‌توان گفت: فقیهان شیعی همواره بر این وظیفه خود استوار بوده‌اند

فقهایی مانند سید مرتضی، شهید اول، صاحب جواهر، مرتضی انصاری؛ میرزای شیرازی؛ شیخ فضل-الله نوری و ... چه در ضلع علمی و چه در جهت عملی را می‌توان به عنوان شاخص‌های این موضوع مهم در اعصار مختلف نام برد که شاکله اندیشه سیاسی مشترک آنان در مراتب ذیل قابل احصاء و خلاصه است:

۱. اجرای حکم الهی (قوانین شریعت)؛

۲. نظارت مطلق فقیه جامع‌الشرایط؛

۳. حاکمیت مؤثر فقیه بر امور حکومت؛

۴. مراقبت از عدم خروج از قوانین شرع؛

۵. تکامل و تعالی فرد و جامعه بر مدار احکام شریعت؛

۶. تلاش برای توسعه تمدن حقیقی و حفاظت از آن؛

شیخ فضل‌الله نوری در حوزه اندیشه سیاسی پیرو نظرات فقهای سلف بود و همچون آنان و اکثریت مجتهدان هم عصر خود به نظریه ولایت شرعیه فقها اعتقاد داشت و در این خصوص می‌گوید:

در امور عامه، وکالت صحیح نیست و این باب، باب ولایت شرعیه است؛ یعنی تکلم در امور عامه و مصالح عمومی، ناس مخصوص به امام زمان (ع) یا نواب عام او می‌باشد و ربطی به دیگران ندارد و دخالت غیر آن‌ها در این امور، حرام و غضب نمودن مسند پیغمبر (ص) و امام (ع) است ... اگر غیر اهل در این مسند نشست، واجب است منع آن از این شغل و حرام است حمایت او ... این کار از غیر نواب عام، غضب حق محمد و آل محمد (ص) است که از این رو، باید تمام نوامیس الهیه در تحت نظریات مجتهدین عدول باشد تا تصرفات غاصبانه که موجب هزار گونه اشکالات مذهبی برای متدینین است، مرفوع گردد و منصب دولت و اجرای آن را عدلیه و نظمی و سایر حکام، فقط اجرای احکام صادره از مجتهدین عدول می‌باشد. (انصاری، ۱۴۰۰: ۲۳۶)

نتیجه‌گیری

اگر چه جریان مشروطیت حادثه‌ای است که در دل تاریخ معاصر واقع شده اما ابعاد مختلف آن، ضرورت را ایجاد می‌کند برای عبرت‌آموزی از آن تا هر حادثه‌ای با حوادث تاریخی تطبیق داده شود و سپس دریابیم اگر با نگرش عبرت‌آموزی به حوادث تاریخی ننگریم، حوادث تلخ عیناً تکرار و تکرار خواهد شد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اسْتَدِلَّ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ: با

استدلال به آنچه واقع شده بر آنچه ممکن است، واقع شود استدلال نما زیرا: حوادث شبیه یکدیگرند. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

با تأمل در افکار و اعمال مخالفین شیخ فضل الله نوری، آنچه استنباط می شود، تشابه خاستگاه فکری و اقدام عملی برخی مشروطه خواهان با خوارج نهروان است. ظهور و بروز فرقه منحرف خوارج در صدر اسلام و در مقابله با اندیشه سیاسی حضرت امیرالمؤمنین (ع) دارای شاخصه‌های است که می توان ارکان آن را در اندیشه برخی مشروطه خواهان پیدا نمود. ارکان خصوصیات خوارج در خود برحق بینی، تکفیر مخالف، جمود فکری (ضدیت با تمدن و روز آمدی) و ... خلاصه می شود.

خوارج در این سقوط تا آن جا پیش رفتند که حتی بعد از شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع)، مراسم تشیع و تدفین آن حضرت مخفیانه صورت گرفت و مزار آن حضرت چندین سال از ترس توهین خوارج و ... مخفی ماند تا مبادا به پیکر مطهر آن حضرت جسارت کنند، لذا در تاریخ در علت مخفی بودن مزار آن حضرت تا سالها بعد از دفن نوشته شده: مخافة ان تبشه الخوارج و غیرهم (مرتضی العاملی، ۱۴۳۳: ج ۵۰: ۷۷) سید بن طاووس در کتاب «فرحة الغری» می نویسد: «این امور باعث این شد که امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کردند تا حضرت را از بیم معاویه و خوارج و پیروانشان، مخفیانه دفن کنند و کسی را مطلع نسازند تا مبادا آن‌ها بر نبش قبر تصمیم بگیرند.» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۴۴: ۵۷) حضرت امیرالمؤمنین (ع) وصیت فرمود: «در چهار موضع قبر از جهت آن حضرت بکنند تا دشمنان موضع قبر آن جناب را ندانند و محل دفن اصلی حضرت مشخص نشود.» (مرتضی العاملی، ۱۴۳۳، ج ۵۰: ۷۶) همچنین نقل است: حجاج ملعون برای یافتن پیکر مطهر آن امام مظلوم، سه هزار قبر را نبش کرد تا بدن مطهر را پیدا نموده و آتش بزند. (مرتضی العاملی، ۱۴۳۳، ج ۵۰: ۷۶)

همین شاخصه‌ها در برخی مشروطه خواهان، گزارش شده است زیرا: آنان مخالفین خود را دارای جمود فکری می پنداشتند و اصرار بر توبه از مواضع فعلی و بازگشت به وضعیت سابق داشتند و در صورت مخالفت؛ با محاکمه یا بدون محاکمه، محکوم به اعدام و حذف می دانستند لذا، به طرق مختلف به شیخ فضل الله پیغام می دادند توبه نما و مشروطه فعلی را امضا و مثل سابق از مشروطه دفاع کن تا نجات پیدا کنی! آیت الله شیخ مهدی مازندرانی نقل می کند: وقتی شیخ فضل الله را زندانی کردند، بزرگان خیلی تلاش نمودند تا او را از نظریه اش درباره مشروطه برگردانند، ولی نشد. در زمانی که او را کنار چوبه دار آوردند، در حال قرائت حکم دادگاه فرمایشی، شخصی به نزد شیخ شهید رفت و گفت: بگو مشروطه صحیح است؛ از اعدام تو صرف نظر خواهیم کرد، شیخ شهید فرمود: اگر فضل الله بگوید:

نماز خواندن جایز نیست، آیا می‌شود جایز نباشد؟ اگر پیامبر، معروف را معروف و منکر را منکر بداند و فضل‌الله بگوید منکر، معروف است، آیا چنین می‌شود؟ آنگاه با صدای بلند فرمود: مشروطه حرام است، حرام است، حرام است." (قلی زاده، ۱۳۷۹: ۲۴۴)

خطر برخی مشروطه خواهان خوارچ نما! حتی پس از اعدام شیخ فضل‌الله نیز تکرار و ادامه یافت به گونه‌ای که سران و مزدوران آنان به جسد شیخ جسارت نمودند تا جایی که خانواده و مریدان شیخ با ترفندی، شر آنها را از توهین به جسد دور نموده و تابوتی از سنگ را در محلی دفن نمودند در حالی که چندین ماه جسد را در یکی از اتاق‌های منزل شیخ دفن و بعداً به قم حرکت دادند و در مقبره‌ای در صحن حضرت معصومه (س) دفن کردند. (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۷۳) در مجموع، در دیدگاه شیخ تحقق حکومت و تمدن دینی و اجرای شریعت اسلام در چارچوب داده‌های اسلام مطابق با احکام فقهی امامیه ممکن است لذا حکومت و تمدنی صالح است که در آن استعمار، دیکتاتوری، استبداد، خودکامگی، فساد، ستم و افکار و اعمال ضد شریعت نفی شود؛ و موجب آگاهی و رشد فکری مسلمین گردد، بنابراین، نگاه ایشان به تشکیل حکومت فقیه در عصر غیبت و تحقق تمدن حقیقی به دور از فساد و انحراف، سبب بردار شدنش شد. نه مخالفت وی با تصویب قانون و تشکیل حکومت و تحقق تمدن و همین مهم‌ترین دلیل حذف شیخ شهید بود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
- ابوالحسنی، علی (۱۳۹۸ الف). آخرین آواز قو، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ابوالحسنی، علی (۱۳۹۸ ب). اندیشه سبز زندگی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ابوالحسنی، علی (۱۳۹۸ ت). خانه بر دامنه آتشفشان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- انصاری، مهدی (۱۴۰۰). شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، تهران، امیر کبیر.
- انصاری قمی، مهدی (۱۳۹۳). مجتهدی که صد سال پیش زبان فرانسه می دانست، تهران، راسخون.
- خادمیان نوش آبادی، سیدحسین (۱۳۹۳). نسل جمیل؛ روش های تربیت فرزند در قرآن و عترت، قرآن، قم، سفید سار.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۴). دائرة المعارف بزرگ نو، تهران، ج ۲.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۱). تمدن زایی شیعه، تهران، لب المیزان.
- قلی زاده، رمضان (۱۳۷۹). جرعه ای از اقیانوس، تهران، مشهور.
- کاشفی، محمد رضا (۱۳۹۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، المصطفی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۸). تاریخ مشروطه ایران، تهران، کوشش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). ترجمه فرحة الغری، تهران، میراث مکتوب.
- مرتضی العاملی، سید جعفر (۱۴۳۳). الصحيح من سيرة الامام علی (ع)، بیروت، المركز الاسلامی للدراسات، ج ۵۰.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۹). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت (۱۳۹۰). در مشروطه چه گذشت، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- موسوی بجنوردی، سید کاظم (۱۳۹۳). دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۱.
- واعظ زاده خراسانی، محمود (۱۳۸۹). المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته، مشهد، آستان قدس رضوی، ج ۱۳.